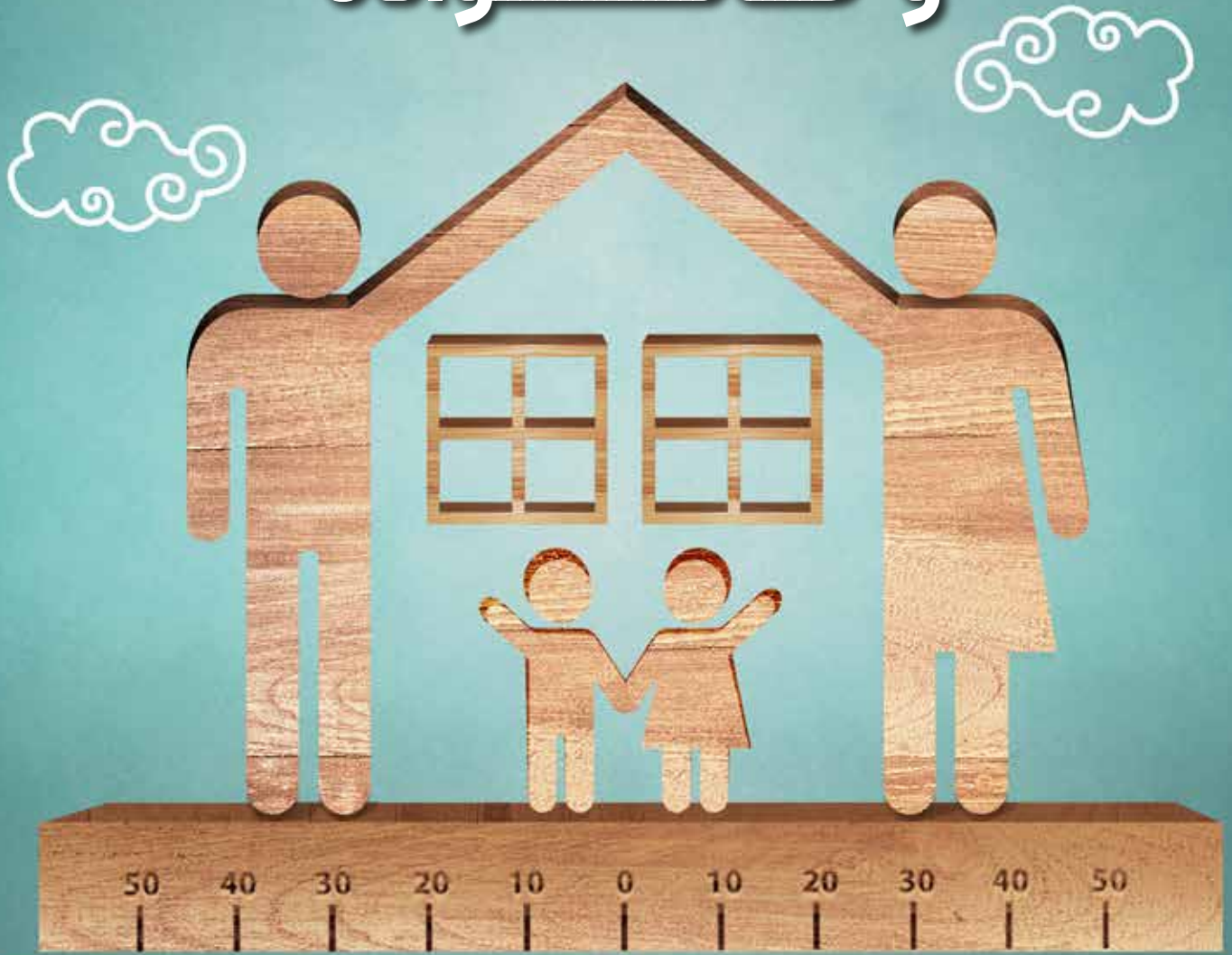


ویژه نامه حقوق کودک، آموزش و خانواده





با آموزش درست، کودکان را مطالبه‌گر کنیم

پیش‌درآمدی بر حقوق کودک

گفت‌وگو با لیلیا میربد، دکترای حقوق بین‌الملل و دبیر کلینیک حقوق کودک
تنظیم: مریم میرمحمدی

مصلح عالی کودک در آن رعایت شود، قابل دفاع هستند. حالا اگر بخواهیم بگوییم که حقوق کودک شامل چه مواردی می‌شود می‌توان به داشتن یک اسم مناسب، تابعیت داشتن، دسترسی به امکانات بهداشتی و ... اشاره کرد. این حقوق از ابتدایی‌ترین مسائل شروع می‌شود و گاهی موضوعات پیچیده‌تری را دربر می‌گیرد.

این روزها در میان حقوق کودکان، بیش‌ترین حقی که نادیده گرفته شده و ضایع می‌شود کدام است؟

علاوه بر حق تحصیل، حق بهداشت، مسکن خوب و یا حق داشتن سرپرست قانونی خوب برای کودکان، حقوق دیگری وجود دارد که اغلب مغفول واقع می‌شود مثل حق کودکانی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند، فقیر و بی‌سرپرست هستند این دسته از کودکان به تکیه‌گری کشیده می‌شوند و زمینه بزه‌کاری برای آن‌ها فراهم می‌شود. موارد مغفول مانده بیش‌تر به بستر جامعه‌ای که کودکان در آن زندگی می‌کنند بستگی دارد و در جوامع کم‌تر توسعه یافته حتی حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم هم می‌تواند مورد نقض واقع شود، در حالی که در ساختار جامعه پیشرفته، نقض حریم خصوصی کودک در فضای سایبری دغدغه فعالان این حوزه است. در آفریقا یا سیستان و بلوچستان خودمان، کودکانی هستند که دست‌شان را برای

مستقیم می‌رویم سراغ اصل مطلب و می‌خواهیم بدانیم که مفهوم حقوق کودک از کجا می‌آید؟

حقوق کودک بخشی از حقوق بشر است، یعنی انسان‌ها به واسطه ماهیت بشری خود و از زمان تولدشان از یکسری حقوق غیرقابل سلب و جهان‌شمول برخوردار هستند که مادر زبان عمومی خود آن را حقوق بشر می‌نامیم. حقوق بشر، حقوقی نظیر حق زنان، حق کارگران، حق زندانیان و حق کودکان را دربر می‌گیرد که این بخش‌ها مورد تأکید ویژه قانون‌گذار و کنوانسیون‌های بین‌المللی است، چراکه این دسته از افراد از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند و برای کودکان این حقوق خاص‌تر و اختصاصی‌تر نیز هست.

پس باید ببینیم حقوق کودک یعنی چه؟ و در این حوزه به چه کسی کودک گفته می‌شود؟

در کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک می‌داند مگر این‌که طبق قوانین، سن بلوغ کم‌تر تعیین شده باشد، البته در قوانین داخلی بسیاری از کشورها این سن متغیر است حتی در برخی از کشورها در مواردی سن حقوقی افراد مثل رانندگی، عقد قرارداد یا ازدواج متفاوت است. همه این تفاوت‌ها به شرطی که



بر خلاف مفهوم «حق»، معنی مقابلش یعنی «وظیفه» از آن دست مفاهیم سرسخت و لجوجی است که از همان شروع سال‌های شاد و نوپای کودکی صدای زنگش به گوشمان می‌رسد و همین‌طور که بزرگ و بزرگ‌تر می‌شویم به موسیقی متن زندگی‌مان بدل خواهد شد. خطوط وظیفه ما به عنوان فرزند، دانش‌آموز و حتی یک شهروند از همان نخستین گام‌های آموزش، خط‌کشی شده و به مرور مفهوم دیگری همچون «حق» زیر این خطوط راست قامت، کمر خم کرده و چنان ناخوانا به نظر می‌رسد که گویی هرگز چنین مفهومی وجود نداشته است. در میان این بازار شام، حقوق کودکانمان به دلیل آسیب‌پذیری بیش‌تر و آگاهی کمترشان با مظلومیت هرچه تمام‌تر به حاشیه‌های دور از دید و افق‌های نامعلوم کشیده می‌شود، به طوری که آموزش‌هایی از این دست که کودکانمان چه حقوقی دارند، این حق از کجا می‌آید و چقدر باید نسبت به آن محقق باشند از خوف سرکشی کودکان در خفا خواهد ماند. همه این‌ها در حالی است که مطالعات نشان می‌دهد در جوامعی که آگاهی بیش‌تری در این زمینه وجود دارد افراد در برابر رعایت حقوق دیگران عملکرد موفق‌تری از خود نشان می‌دهند. شاید وقت آن رسیده است که قبا‌ی کهنه از تن آموزش برداریم و با قبا‌ی نو و شادمان در راستای مفهوم «حق» و به خصوص حقوق کودکانمان تلاش کنیم. برای رسیدن به این هدف با خانم «لیلیا میربد»، دانش‌آموخته دکترای حقوق بین‌الملل و همچنین دبیر کلینیک حقوق کودک همراه شده‌ایم تا این گفت‌وگو، پیش‌درآمدی باشد بر آن چه طی سالیان دراز و در تاریخ آموزشی بشر نادیده گرفته شده است.

دسترس به آب شرب از دست می‌دهند یا در حواشی شهرها فاضلاب شهری مه‌پاش شده، انواع بیماری‌ها را برای کودکان به همراه دارد در نتیجه این‌گونه حق سلامت را از آن‌ها سلب می‌کند این‌ها همه از موارد نقض حق کودک است که از جمله حقوق نقض شده در ارتباط با کودکان اتباع خارجی می‌توان به حق بر هویت، حق دسترسی به آموزش، حق بازی و فراغت اشاره کرد، البته حق بازی و فراغت موضوع پیچیده‌تری است و ممکن است در نگاه اول تصور شود که تنها کودکان کار از حق بازی و فراغت محروم هستند، اما اگر بخواهیم عمیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم کودکانی هستند که به مدارس خاص می‌روند، امکانات ویژه‌ای هم دارند ولی از این حق محروم هستند. آن‌ها از صبح در مدرسه درس می‌خوانند و تا شب به انواع و اقسام کلاس‌های نجوم، باله و... مشغول‌اند. این کودکان اصلاً فرصتی برای کودکی ندارند و آن خلایق و فراغتی که باید تجربه کنند برای شان اتفاق نمی‌افتد. پس یک جایی نداشته‌ها و جای دیگرهم داشته‌ها از موارد نقض حقوق کودکان است.

کمی از پدیده شوم کودک‌آزاری و ارتباط آن با حقوق کودک براینمان بگویید.

کودک‌آزاری موضوع بسیار مهمی است. هرگونه آسیب، تهدید سلامت جسم و روان، تهدید رفاه و بهزیستی کودک از مصادیق کودک‌آزاری محسوب می‌شود که انواع و اقسام متفاوتی دارد.

کودک‌آزاری اغلب توسط افراد آشنا انجام می‌شود، از والدین و اقوام گرفته تا سوپرمارکت سرکوجه و بچه‌های بزرگ‌تر. می‌تواند در خانه رخ دهد یا در مدرسه. کودک‌آزاری انواع و اقسام دارد. خشونت فیزیکی تنها یکی از انواع آن است که ممکن است حتی منجر به فوت کودک شود. علاوه بر آزار جسمی و تنبیه بدنی که از مصادیق واضح کودک‌آزاری هستند، رفتار غیرعاطفی، غافل شدن از کودک، مشاهده خشونت، سواستفاده جنسی از موارد دیگر کودک‌آزاری هستند. متأسفانه این روزها نمونه‌های زیادی از این موارد را در جرایم می‌بینیم. ازدواج کودکان یا کودک‌همسری که اغلب به خاطر بی‌سریستی و بدسرپرست بودن اتفاق می‌افتد نیز از موارد نقض حقوق کودک است که سلامت روحی و جسمی کودکان را تحت شعاع قرار داده و از مصادیق کودک‌آزاری محسوب می‌شود.

با فراگیری فضای مجازی و گسترش تکنولوژی آیا در این حوزه هم شاهد موارد نوظهور بوده‌ایم، موارد نقضی که تبعات عدم فرهنگ سازی در زمینه تکنولوژی باشد؟

بله؛ متأسفانه نقض حقوق کودک در فضای مجازی روزبه‌روز هم گسترش پیدا می‌کند. کودکان می‌توانند از حق آزادی بیانشان و مشارکت مدنیشان استفاده کنند، ولی بسیاری از خانواده‌ها به علت بی‌اطلاعی زمینه‌های سوء را در این فضا ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال کودکان را مدل تبلیغاتی می‌کنند یا عکس‌هایی از بچه‌ها به صورت برهنه یا نیمه برهنه قرار می‌دهند، با این پیش‌زمینه فکری که این یک حرکت لاکچری و شیک است. آتلیه‌هایی هم هستند که عکس بچه‌ها را در فضای مجازی قرار داده یا حتی در مسابقه‌ها شرکت می‌دهند. به

این ترتیب کودکان خیلی زود و به شکل نادرست وارد فضای مجازی می‌شوند. این عکس‌ها می‌تواند تبعات سنگینی را برای کودکان داشته باشد و حتی ناراضی‌آنان را در سنین بالاتر به همراه داشته باشد. از طرفی هم ممکن است کودکان از طریق اشخاص کلاه بردار با مشخصات جعلی مورد سواستفاده قرار بگیرند. رمزهای صفحات مجازی پدر یا مادرشان را افشا کنند یا هویت فرد دیگری را افشا کنند و به این وسیله زمینه جرم دیگری ایجاد شود. ممکن است کودکان مورد پورنوگرافی قرار بگیرند، و برخی سواستفاده‌گران بچه‌ها را تهدید کنند که اگر کاری که می‌خواهد را انجام ندهند عکس را منتشر کرده و یا به پدر و مادرش می‌گویند. البته که نرم‌افزارها و سخت‌افزارهایی وجود دارد که بتواند این موارد را تشخیص دهد، اما شرط اول و مهم این است که ما فرهنگ استفاده از اینترنت را به کودکانمان آموزش داده باشیم.

در این میان اگر کودکان به حقوق خودشان واقف باشند چه تأثیری در رعایت حقشان دارد؟

وقتی مخاطب یک حق کودکان هستند، تکالیفی بر عهده دولت و نهادهای متولی کنوانسیون در سطح ملی است، اما به هر حال کودکان هم باید مطلع باشند که چه حقوقی دارند. بحث آموزش در حقوق بشر

یک رکن رکین است. این‌که هر کس بداند که چه حقوقی دارد مسلماً در این‌که حقش محقق شود و مراقب باشد که مورد نقض قرار نگیرد، تأثیرگذار است. من با یک مثال این را توضیح می‌دهم، ما در کودک‌آزاری یک حق بر تمامیت جسمی داریم، یعنی کودک باید بداند هیچ کس به جز والدین و پزشک نباید بدنش را لمس کند و اگر این را بداند در هر جایی که این اتفاق بیفتد به والدین آگاه اعلام می‌کند پس از صدمات روحی بعدی و بزه دیده شدن جلوگیری می‌شود. حالا اگر کودک به این حق تمامیت جسمی آگاه نباشد، چه می‌شود؟ این اتفاق ناخوشایند برای کودک ناآگاه جز شرم، احساس گناه، تشویش و استرس چیز دیگری نخواهد داشت؛ علاوه بر این‌که امکان تکرار و صدمات بیش‌تر هم وجود دارد.

فرآیند آموزش در این میان چگونه به کار می‌آید؟

همان‌طور که دیدیم، آگاهی کودکان از نقض حقوقشان جلوگیری می‌کند، پس اولین قدم در تحقق حقوق کودکان آموزش خود آن‌ها، مربیان و والدین است. این آموزش‌ها باید از طریق صداوسیما، تبلیغات شهری، بیلبوردها، کتاب‌های داستان و حتی کتاب‌های درسی اعمال شود. نمی‌شود در یک مقطع این حقوق را آموزش داد و تمام، بلکه باید از مهد تا دبیرستان به آن پرداخت، چراکه براساس سن کودکان، آسیب‌ها، نقض‌ها و بزه‌هایی که ممکن است برای آن‌ها اتفاق بیفتد، متفاوت است. من فکر می‌کنم اگر بخواهیم یک ستون برای حقوق کودک متصور شویم آن ستون آموزش حقوق کودک است.

همان‌طور که بهتر می‌دانید، نقض حقوق کودکان می‌تواند در بستر خانواده یا مدرسه هم اتفاق بیفتد، در این موارد چه باید کرد؟

بله در هر دو مورد باید آگاهی بخشی به کودکان را در رکن قرار داد. کودک آگاه می‌تواند تخلف و نقض را در خانواده به مدرسه اطلاع بدهد یا بالعکس. مدرسه خانه دوم است، اگر مواردی در خانواده وجود داشت باید شرایط در میان گذاشتن آن با معلم، مربی یا مدیر فراهم باشد؛ به علاوه جایی به نام اورژانس اجتماعی وجود دارد که کودک می‌تواند با گرفتن شماره تلفن ۱۲۳ مورد خشونت را اطلاع دهد. متخصصان به صورت تلفنی او را راهنمایی می‌کنند که در موقعیت خاص خودش چه کاری انجام دهد و دوره رودرپایستی، تعارف و این‌که زشت است یا این مسئله تابو است، گذشته، بچه‌ها چنان در

مدرسه خانه دوم است، اگر مواردی در خانواده وجود داشت باید شرایط در میان گذاشتن آن با معلم، مربی یا مدیر فراهم باشد؛ به علاوه جایی به نام اورژانس اجتماعی وجود دارد که کودک می‌تواند با گرفتن شماره تلفن ۱۲۳ مورد خشونت را اطلاع دهد.

فضای مجازی، رسانه‌ها و ماهواره مورد هجوم اطلاعات و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند که اگر اطلاع‌رسانی، آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی در موردشان محقق نشود با بار آسیب‌زای شدیدی مواجه خواهند شد.

وضعیت حقوق کودکان در ایران و تعامل با کنوانسیون حقوق کودک در جهان چگونه است؟

در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک تصویب شده است و ایران در سال ۱۳۷۳ با حق شرط به کنوانسیون پیوسته است. مندرجات آن جزء قوانین داخلی است. ما مجموعه‌ای از مقررات حمایتی برای کودکان در قوانین داخلی خود داریم. این اواخر هم قانون پیشرفته‌تری نسبت به بقیه قوانین در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان به تصویب رسیده است. امیدواریم اجرای آن هم خوب پیش برود. ما در ایران و در این حوزه، دستگاه‌های متولی متعددی داریم که تعداد شانزده دستگاه اجرایی می‌شود. از کانون اصلاح و تربیت، کانون پرورش فکری، سازمان آموزش و پرورش گرفته تا مراکز انتظامی.

این حق شرط چیست؟ ایران برای پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک چه شرطی گذاشته است؟

کنوانسیون‌های بین‌المللی توافقاتی هستند که بین دولت‌ها منعقد می‌شود. هدف اصلی آن‌ها این است که آن‌چه جزو اهداف اولیه آن کنوانسیون است، توسط اعضای آن اجرا شود. برخی از کنوانسیون‌ها برای این‌که جلب مشارکت بین‌المللی بیش‌تری داشته باشند، حق شرط را می‌پذیرند. حق شرط یعنی این‌که من به این معاهده می‌پیوندم و به‌طور استثنایی یک جزئیاتی را، یک بند و تبصره‌هایی را، از شئون تعهداتم خارج می‌کنم. به‌عنوان مثال تمامی قوانین کنوانسیون‌رامی‌پذیریم، اما فلان ماده یا تبصره را که نمی‌توانم اجرا کنم از تعهداتم خارج می‌کنم. ممکن است این ماده یا تبصره با بنیان حقوقی جامعه من تفاوت داشته باشد و جامعه من زیرساخت اجرایی‌اش را نداشته باشد و یا به هر دلیل دیگری. حق شرط باید جزئی، موجز، واضح و روشن باشد. نباید با هدف معاهده مبین باشد یا در راستای معاهده قرار بگیرد. حق شرط ایران برای پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک، این است که جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون حقوق کودک را می‌پذیرد منتها هر جای کنوانسیون که با شرع مقدس و قانون اساسی ایران منافات داشت، اجرا نمی‌شود.

با این حساب چه مفادی از اساسنامه این کنوانسیون با قانون اساسی ما و یا شرع منافات دارد؟

در مورد این‌که چه مواردی خلاف موازین شرعی تشخیص داده می‌شود، محدودیت‌هایی در مورد جنسیت و سن کودکی داشته‌ایم که متأسفانه در آن زمان این موارد، نقض حقوق کودک به‌شمار می‌رفت، اما قانونی در سال ۱۳۹۹ به‌نام حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب شد که توانست خلاهای قانونی را در موارد مختلف درباره کودکان را پوشش بدهد. این قانون توانسته مشکلاتی از این دست را رفع کند. از جمله سن کودکی، منع تبعیض جنسیتی، آزادی بیان و عقیده، منع دخالت در امور شخصی، به‌کارگیری کودکان در مشاغل سخت و زیان‌بار و رعایت مصالح عالی کودکان. خوشبختانه این قانون گام بسیار مهم و مؤثری در جهت حمایت از حقوق کودک است.

دوره رودر بایستی، تعارف و این‌که زشت است یا این مسئله تابواست، گذشته. بچه‌ها چنان در فضای مجازی، رسانه‌ها و ماهواره مورد هجوم اطلاعات و سواستفاده قرار گرفته‌اند که اگر اطلاع‌رسانی، آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی در موردشان محقق نشود با بار آسیب‌زای شدیدی مواجه خواهند شد.

برخی از دولت‌ها هم هستند که حق شرط ایران را به علت کلی بودن آن و با در نظر گرفتن اهداف معاهده، نپذیرفته‌اند و عقیده دارند که این حق شرط، حقوق کودک را متزلزل می‌کند. به هر حال در اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی باید این را لحاظ کرد که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و اجتماعی که در جوامع مختلف وجود دارد، کنوانسیون‌ها نیاز به انعطاف بیش‌تری دارند. شاید خیلی خوش‌بینانه گفته شود که پذیرش مشروط کنوانسیون کمک کرده است تا ما خیلی از حداقل‌ها را رعایت کنیم و در مورد آن‌چه با مبانی حقوقی ما مغایرت دارد کمی محتاطانه‌تر تصمیم بگیریم.

در این میان وضعیت استان یزد چطور است؟

استان یزد پتانسیلی عالی برای درخشش در حوزه حقوق شهروندی دارد. این استان مهد هم‌زیستی مردم در صلح است که این موضوع بستر خوبی برای تحقق حقوق است. در یزد معضلات خاص بومی به غیر از بحث تحقق حقوق کودک داریم که به آن اعتقاد قلبی داریم که فقط با همکاری همه‌جانبه تمام دستگاه‌های متولی حقوق کودک مرتفع شود. حاشیه‌نشینی‌ها در شهرهای بزرگ و

صنعتی مشکلات خاص خودش را دارد ولی کودک کار آن طوری که در کلان‌شهرهای دیگر داریم در بومی یزد نداریم و اگر هم داریم یزدی نیستند.

اگر از بُعد بین‌المللی نگاه کنیم، یزد شهر یادگیرنده و دوستدار معلول است که هردوی این‌ها می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای تبدیل شدن یزد به شهر دوستدار کودک هم شود.

چالشی که در یزد برای تحقق حقوق کودک وجود دارد، جزیره‌ای عمل کردن نهادهای متولی حقوق کودک است. یک دست‌آورد مهم می‌تواند این باشد که همه این نهادها دست به دست هم دهند تا در حوزه اختیارات و وظایفشان تمام تلاش خود را برای همکاری باهم انجام دهند. مثل آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری، سازمان بهزیستی و... که اگر همه این‌ها همکاری را به شکل سازمانی در کنار کار خود نداشته باشند، متأسفانه این تحقق همه‌جانبه عملی نخواهد شد.

مورد دیگری که به ذهن رسید در خصوص حق برگردشگری کودکان است. شما تصور کنید که چند بچه را از یک استان به استان دیگری برای گردشگری ببریم؛ وقتی این بچه‌ها وارد شهر می‌شوند، هیچ‌المان شهری مناسبی برای آن‌ها وجود ندارد. به‌عنوان مثال یک آب‌خوری کوتاه مناسب با قد آن‌ها نیست، یا پارک‌ها طوری طراحی نشده که کودکان بتوانند از نیمکت‌ها و سایر وسایل استفاده کنند و با اتاق مادر و کودک در ترمینال آن

شهر نیست. خوش‌بختانه تمام مثال‌هایی که گفته شد در شهر یزد وجود دارد و از این جهت مشکلی نداریم. نمونه دیگر این‌که بچه می‌خواهد یک یادگاری یا سوغاتی بخرد. آیا چنین مکانی مناسب کودک وجود دارد؟ آیا نیازمندی‌ها و اقتضانات شهر در بحث حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است؟ این است که می‌گوییم حقوق کودک می‌طلبد که همه باهم تعامل و همکاری داشته باشند. من به‌عنوان شهردار باید حواسم باشد که در این شهر شاید سی درصد شهروندان کودک باشند، من استاندار بدانم که مباحث امنیتی کودکانی که در این شهر زندگی می‌کنند به چه نحو است، من پلیس باید بدانم که اگر یک بچه ده ساله مرتکب دزدی دو چرخه شد چگونه با او رفتار کنم که سراغ دزدیدن موتور نرود. با

کودکی که بزه دیده است یا کودکی که قربانی خشونت جنسی شده است باید چطور رفتار کرد که این کودک تبدیل به بزهکار نشود. یک قاضی باید با دادرسی افتراقی به کودکان نگاه کند و بداند وقتی این بچه صحبت می کند، یک روانشناس یا یک متخصص کودک هم کنارش هست یا نه. وقتی یک وکیل وکالت یک کودک بزه دیده یا بزهکار را تقبل می کند، باید با آن زمینه ها پیش برود و بداند آن کودک در چه بستری مرتکب جرم شده است و چگونه باید به این بچه مشاوره داد تا آن مصالح عالی حقوق کودک که همیشه مدنظر کنوانسیون است تفسیر و اجرا شود.

کلینیک های حقوق کودک چه وظایفی دارند؟ و در حال حاضر چند کلینیک در کشور ایجاد شده است؟

۲۷ کلینیک به صورت فعال در حال کار هستند. این کلینیک ها به صورت زیرمجموعه انجمن علمی حقوق کودک فعالیت می کنند. وظیفه اصلی اشان هم کمک به خانواده ها، توانمندسازی آن ها، آموزش کودکان و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی در زمینه حقوق کودک است. در این کلینیک ها دانشجویان و کارآموزان وکالت می توانند به شکل مشاوره یا انجام پژوهش در حوزه کودک همکاری داشته باشند. از دیگر وظایف این کلینیک ها این است که حقوق کودک از طریق بسته های آموزشی محقق شود. این موارد نیاز به همکاری سازمان هایی مثل شهرداری یا ارشاد استان دارد که نقطه ضعف ها و آسیب های محلی را بشناسند و آن ها را به یک ظرفیت برای ارتقاء و رشد کودک تبدیل کنند. در این کلینیک ها سعی می شود تا مهارت های عملی و کاربردی دانشجویان افزایش یابد، ظرفیت های مردمی بهره بیش تری گرفته شود و ظرفیت نهادهای مختلف برای معاضدت های حقوقی برای تبلیغات استفاده شود. تمام مواردی که به این مراکز گزارش می شود محرمانه بوده و هزینه ای گرفته نمی شود. در یزد هم مرکز تخصصی کلینیک حقوق کودک زیر نظر کلینیک حقوق شهروندی فعالیت دارد.

از نظر شما کدام سازمان ها در برابر حقوق کودک باید با قوت بیش تری عمل کنند؟ جایگاه سازمان های مردم نهاد چگونه است؟

در مورد سازمان هایی که باید با قوت، عمل کنند به طور قطع آموزش و پرورش، بهزیستی، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، قانون وکلا و اورژانس اجتماعی در خط مقدم

هستند، اما از آن جا که آسیب های حوزه کودک هم زیاد است و نیاز به فرهنگ سازی، پیش گیری و درمان دارد، پس هیچ نهادی مثل سازمان های مردم نهاد و ان.جی.او.ها و سمن هایی که خاص حوزه کودک هستند نمی توانند نقش همکاری و حلقه واسط را

ایفا کنند. این جوامع می توانند با بررسی های میدانی کودکان بدسرپرست، بی سرپرست و آسیب دیده را شناسایی کنند.

با کمال احترام برای همه دوستانی که در مجموعه آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، انون اصلاح و تربیت و... در حال فعالیت هستند باید گفت که باز هم وزن اصلی تحقق حقوق کودک بر دوش جامعه مردم نهاد است، یعنی آن هایی که صنفی با قضیه برخورد نمی کنند و وظیفه خود نمی بینند وارد بحث می شوند که مشکل را حل کنند. نقش جوامع مردم نهاد و جوامع مدنی دیگر انکارناپذیر و بسیار قابل توجه است. در چیزهایی

که به نظر من می رسد رویکرد دادگستری، سازمان بهزیستی و جوامع مردم نهاد از همه جالازم تر است.

سخن نهایی شما با دانش آموزان، والدین و مربیان ما چیست؟

می خواهم به دانش آموزان و کودکان بگویم که شما آینده سازان و سرمایه های اجتماعی این مملکت هستید که اگر بر اساس حق و حقوق خود پیش بروید به قطع می توانید از استعداد هایتان به بهترین نحو استفاده کنید. شما باید یاد بگیرید که مطالبه گر باشید. باید بدانید که حق و حقوقتان چیست. ما در کلینیک های حقوق کودک هستیم تا از حقوق شما حمایت کنیم، تا آموزش دهیم و شرایطی را فراهم کنیم که شما از ما بپرسید و ما پاسخ دهیم.

در نهایت دست والدین، مربیان و متولیان امر آموزش و پرورش را به گرمی می فشارم و می گویم که توان این وجود دارد تا در جلسات اولیا و مربیان یا طی جلساتی که برای آموزش والدین است، آموزش های مربوطه انجام شود.

به نظر من از مهم ترین موضوعات پرورش کودک به جز مباحث تغذیه، پوشاک

و بهداشت این است که ذهن کودکانمان را برای زندگی آینده آماده کنیم و چقدر خوب است فرزندمان در کنار تمام مباحثی که در مدرسه می آموزند، مهارت زندگی کردن را هم یاد بگیرند تا بدانند که چطور باید در بحران ها تصمیم بگیرند. اگر اتفاقی برایشان افتاد یا مورد نقض حقوق قرار گرفتیم چگونه گزارش بدهند.

والدین هم باید آگاه باشند و نگذارند که گزارش هایی که کودکان به آن ها می دهند مورد غفلت قرار بگیرد، بلکه باید پلیس، اورژانس های اجتماعی و مراجع قانونی را در جریان بگذارند تا از آسیب های احتمالی بعدی جلوگیری شود. باید حواسمان به آمار نگران کننده تعرض ها و قتل های ناموسی باشد و نگذاریم که این اتفاق ها تکرار شود.

در مورد اولیای مدرسه هم جدا از تصمیم گیری های وزارت آموزش و پرورش، برگزاری دوره های آموزشی در توان حوزه استان است. به امید خدا بعد

از پاندمی کرونا به شکل فعال تری باید در مدارس به این حوزه پرداخت؛ البته در این شرایط هم می توان آموزش هایی را که به صورت دوره های کوتاه مدت مجازی توسط معاونت اجتماعی ناجا و سازمان فرهنگی هنری شهرداری انجام می گیرد، پیگیری کرد و ما هم همکاری خود را اعلام می کنیم. امیدوارم همه کسانی که در عرصه کودک فعال هستند این هم گرایی را داشته باشند و جزیره ای عمل کردن را رها کنند تا بتوانیم سهم کوچکی را در تحقق حقوق این آینده سازان داشته باشیم. ■

چالشی که در یزد برای تحقق حقوق کودک وجود دارد، جزیره ای عمل کردن نهادهای متولی حقوق کودک است. یک دست آورد مهم می تواند این باشد که همه این نهادها دست به دست هم دهند تا در حوزه اختیارات و وظایفشان تمام تلاش خود را برای همکاری باهم انجام دهند.